

تبیین ابعاد مؤلفه‌های امنیتی طرح گاپ ترکیه از منظر مکتب کپنهاگ

شیلان خاکی^۱، * جهانگیر کرمی^۲، سید اسدالله اطهری^۳

۱. دانشجوی دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، گرایش مسائل ایران، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استادیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۵ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۲ دی ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

امروزه خاورمیانه از یک سو شاهد جابه‌جایی نسبی منبع قدرت از نفت به آب و از سوی دیگر، سوءمدیریت حکمرانی بین‌حوضه‌ای آن است. این مسئله در کنار کم‌یابی این منبع و تغییرات اقلیمی جهانی سبب شده است ترکیه با اجرای کلان‌پروژه گاپ از کنترل خود بر منابع آبی برای به‌نتیجه‌رساندن سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود در منطقه به‌ویژه کشورهای منتفع از آب دجله و فرات، به‌عنوان ابزار فشار بهره‌برداری کند. همچنین هم‌زمان به درخواست‌های مکرر همسایگان (ایران، سوریه و عراق) مبنی بر حقایق بی‌اعتنا است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای و رسانه‌ای به‌دنبال پاسخ به این پرسش است چگونه طرح گاپ ترکیه موجب ایجاد بحران در خاورمیانه به‌ویژه کشورهای پایین دست این طرح خواهد شد؟ براساس مکتب کپنهاگ، یافته‌ها نشان می‌دهد اجرای طرح گاپ منجر به وابستگی سیاسی کشورهای پایین دست به ترکیه و آسیب‌ها و پیامدهای گسترده در این کشورها با عنوان تهدیدات پنجگانه امنیت (زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) می‌شود و این پیامدهای مخرب با نگاه ایدئولوژیک ترکیه و تبدیل آب به منبع اعمال قدرت همچون نفت، محقق می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

خاورمیانه، طرح گاپ،
ترکیه، تهدیدات امنیتی،
مکتب کپنهاگ.

* نویسنده مسئول:

دکتر جهانگیر کرمی
نشانی:

دانشیار گروه مطالعات روسیه،
دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه
تهران، تهران، ایران
پست الکترونیک:
jkarami@ut.ac.ir

استناد به این مقاله:

خاکی، شیلان و کرمی جهانگیر و اطهری، سید اسدالله (۱۴۰۲). تبیین ابعاد مؤلفه‌های امنیتی طرح گاپ ترکیه از منظر مکتب کپنهاگ، مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۴)، ۱۱۱-۱۳۵.

۱. مقدمه

امروزه سیاسی شدن آب در خاورمیانه بیشتر از گذشته مطرح شده و شدت یافته است، به شکلی که آب به یکی از متغیرهای مهم و تأثیرگذار در تعاملات منطقه تبدیل شده است. آب از عوامل اصلی تنش و تعارض میان کشورها در گذشته و حال بوده و در آینده نیز متغیری تأثیرگذار بر سیاست‌های خاورمیانه خواهد بود، زیرا یکی از ویژگی‌های مناطق خشک و نیمه خشک خاورمیانه به دلیل کمبود آب، اکوسیستم‌های شکننده آن است، یعنی فشارهای ناشی از سدسازی، در کنار عواملی چون تغییر اقلیم و گرم شدن کره زمین، این شکنندگی را بیشتر کرده است. پیش‌تر برخی از صاحب‌نظران حوزه ژئوپلیتیک مدعی بودند که در آینده، آب به‌عنوان کالایی کمیاب و گران جای نفت را می‌گیرد و محور اصلی مناقشات و مصالحه‌ها در دهه آینده خواهد بود؛ اکنون نمود این مسئله را در پی اجرای کلان طرح آناتولی جنوب شرقی (گاپ) ترکیه در خاورمیانه به‌ویژه در کشورهایی که در مسیر این جریان آبی قرار گرفته‌اند شاهد هستیم. به بیانی، ترکیه از سال ۱۹۷۰ مجموعه سدسازی‌هایی را با عنوان طرح گاپ در شش دوره زمانی روی رودخانه‌های دجله و فرات با هدف توسعه مناطق جنوب شرق این کشور آغاز کرده است. در همین زمینه تک‌محورانه به آب‌های مرزی مشترک نگرسته و به‌لحاظ ژئوپلیتیک برای خود حق حاکمیتی مطلق در مورد آب‌های سرچشمه گرفته‌شده از خاکش قائل است.

ترکیه معتقد است همان‌طور که منابع نفتی هر کشور سرمایه آن کشور است، منابع آبی هم که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند به این کشور تعلق دارد و ادعای همسایگان همچون کشورهای ایران، سوریه و عراق مبنی بر حاقبه را رد می‌کند. این مسئله از منظر مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ به‌طور مستقیم بر امنیت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و به‌صورت زنجیره‌وار بر امنیت سیاسی و نظامی کشورهای پایین‌دست طرح گاپ تأثیر گذاشته و بستری برای ایجاد تنش بین این کشورها را فراهم کرده است. به ادعای دولت ترکیه که مبتنی بر اجرای طرح گاپ در مسیر توسعه اقتصادی پایدار است، این مسئله در چارچوب مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ بررسی شده و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که درپیش‌گرفتن مأموریت هیدرولیکی ترکیه می‌تواند در ظاهر تأمین امنیت آبی برای بخش‌های مختلف را به همراه داشته باشد، اما بهای آن از منظر کپنهاگ ایجاد چالش‌های جدید امنیتی برای سایر ذی‌مدخلان است.

1. Güney doğu Anadolu Projesi (GAP)

به‌گونه‌ای که شاهد هستیم ادامه راهبرد مأموریت هیدرولیکی ترکیه بدون توجه به ابعاد و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی این طرح، پیامدهای جبران‌ناپذیری را به همراه داشته است. این منبع حیاتی به‌وسیله‌ای برای کسب قدرت و نفوذ سیاسی ترکیه تبدیل شده و عکس این ادعا ثابت شده است که طرح گاپ در راستای توسعه انسان‌محور و توسعه اقتصادی پایدار است، بلکه در پی ایجاد قدرت اقتصادی، پیشبرد اهداف سیاسی و دستیابی به هژمونی آبی بوده است، روندی که به آسیب‌هایی چندجانبه با پیامدهای گسترده در کشورهای متأثر از این طرح منجر می‌شود.

امروزه پژوهش‌های علوم انسانی برای تجزیه و تحلیل پدیده‌های سیاسی، با روش‌های متعدد مطالعاتی روبه‌رو است. در این پژوهش می‌خواهیم با روش توصیفی تحلیلی در چارچوب مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ باری بوزان، پیامدها و چالش‌های ساختاری طرح گاپ ترکیه و تأثیرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن بر خود ترکیه و کشورهای متأثر از این طرح را واکاوی کنیم، زیرا در این مکتب مسئله «امنیت» اصلی‌ترین مبحث بوده و از هر لحاظ در تهدید است و موضوعات دیگر نیز حول این موضوع بررسی می‌شوند. به همین دلیل با توجه به چندگانگی مفهوم امنیت در این مکتب، به‌کارگیری نظریاتی در مفهوم توسعه پایدار در جوانب محیط زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اهمیت پیدا می‌کند.

این پژوهش بر پایه پژوهش‌های پیشین افراد دیگر بررسی شده است. نوشتار حاضر با هدفی متفاوت به بررسی مسئله توسعه اقتصادی پایدار طرح گاپ ترکیه از منظر مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ به‌عنوان نظریه‌ای جدید که رویکرد نوینی نسبت به مسائل امنیتی دارد اطلاعات استخراج شده را تحلیل کرده است، یعنی روشی که در پژوهش‌های پیشین به آن نپرداخته‌اند و این بهبودی در کارهای پیشین است که نتایج آن با توجه به به‌روز بودن مبحث کلان پروژه گاپ، نگاهی جدید به مسئله است. به بیانی، در پژوهش‌های توصیفی جامع از طرح‌های آبی ترکیه براساس مدل تحلیلی مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ به‌مثابه رویکردی برای استفاده بیشتر از منابع آبی ارائه نشده است، از این‌رو پژوهش حاضر بحث‌هایی را بررسی می‌کند که دیگران به آن نپرداخته‌اند، به‌گونه‌ای که این نوشتار براساس تلفیق دو دسته از مطالعات انجام شده است: دسته اول پژوهش‌هایی هستند که به نقش آبی به‌مثابه ابزار کسب قدرت و اقتدار اشاره دارد و دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که به‌طور مشخص به تحلیل هدف هیدرولیکی کشور ترکیه پرداخته است. برای جمع‌آوری داده‌ها، با توجه به تازه بودن موضوع، علاوه بر روش اسنادی

و کتابخانه‌ای از دیدگاه‌های روزنامه‌نگاران منابع رسانه‌ای و سایت‌های اینترنتی نیز استفاده می‌شود. در یافته‌های این نوشتار تلاش شده است تا علاوه بر استفاده از منابع داخلی از منابع خارجی نویسندگان انگلیسی، گُردی، ترکی و آلمانی با توجه به اهمیت موضوع استفاده شود، به این منظور که تا حد ممکن ابعاد و جوانب موضوع از نگاه جوامع یا کشورهای درگیر با آن سنجیده شود.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. امنیت از دیدگاه مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ

منظور از چارچوب نظری، نوع نگاه پژوهشگر به مسئله پژوهش است که باعث تمرکز فکری پژوهشگر و حرکت وی در مسیر یک نظریه و پرهیز از کلی‌گویی و پراکنده‌گویی است. هیچ‌کس جهان را همان‌گونه که هست تصور نمی‌کند، همه ما در چهارچوب نظریه‌ها، پیشفرض‌ها و ایده‌ها به جهان می‌نگریم. پس از این منظر، مشاهده و تفسیر دو مقوله جداییناپذیرند. ما هم‌زمان که به جهان نگاه می‌کنیم درگیر معنابخشی به آن میشویم. دلیل اهمیت نظریه، ساختار و چارچوب‌دادن به واقعیت پراکنده بیشکل و مغشوش، شکل است (Heywood, 2016: 92).

مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ به‌طور مشخص در سال ۱۹۸۵ با نوشته باری بوزان در کتاب «مردم، دولت و هراس» شکل گرفت. او تلاش کرد مطالعات امنیتی را از روابط نظامی کشورها فراتر ببرد. بوزان «امنیت» را مفهومی «توسعه‌نیافته» دانسته و تلاش می‌کند تعریفی دوباره از مفهوم امنیت ارائه دهد (Buzan, 2018: 16). بوزان به‌عنوان بنیان‌گذار مکتب کپنهاگ با انتقاد از آنچه وی آن را برداشت ساده‌انگارانه از مفهوم امنیت می‌نامد، می‌گوید برخلاف اعتقاد واقع‌گرایان به کسب امنیت به‌وسیله «قدرت» یا اعتقاد آرمان‌گرایانه به تأمین امنیت به‌وسیله «صلح»، اکنون ارائه دیدگاهی میانه مبتنی بر هر دو مفهوم قدرت و صلح، به‌عنوان بهترین تعریف برای مفهوم امنیت ضروری است. مکتب کپنهاگ به‌جای تبیین مفهوم امنیت براساس قدرت، به تبیین مفهوم امنیت بر مبنای «تهدید» می‌پردازد و امنیت را به معنای رهایی از تهدید می‌داند. زوایای پنج‌گانه امنیت از نگاه بوزان امنیت زیست‌محیطی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت نظامی و سیاسی است که هر یک از این بخش‌ها به‌صورت مستقل از هم عمل نمی‌کنند، بلکه به‌هم پیوسته هستند و به‌صورتی زنجیره‌وار بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند (Buzan & Olivier, 2008: 87-93).

طرفداران نظریه کپنهاگ معتقدند که تهدیدات و فشارهای محیط زیست می‌تواند منجر به خشونت در نظام بین‌الملل یا در چارچوب سرزمینی مشخص شود، یعنی محیط زیست می‌تواند بستر و عاملی بالقوه برای ایجاد بحران‌ها باشد. به‌گونه‌ای که موضوعات زیست‌محیطی، ظرفیتی برای تهدیدات آینده جوامع بشری هستند و جهان با پدیده جدیدی به نام تهدیدات مشترک مواجه است. اولین نشانه تهدید امنیت زیست‌محیطی را محدودیت استفاده از منابع طبیعی می‌دانند. بدین ترتیب بحران‌های اقتصادی و هویت اجتماعی نشأت گرفته از مهاجرت، ریشه در تخریب محیط زیست دارد، زیرا پدیده مهاجرت در اثر بیکاری در بیشتر موارد به دلیل تهدیدات زیست‌محیطی رخ می‌دهد. بنابراین تهدیدات زیست‌محیطی با سایر وجوه امنیتی ارتباط دارد (Heshmati-jadid and et al, 2015: 148).

معنای امنیت اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ، توانایی جامعه برای حفظ ویژگی اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدهای واقعی یا احتمالی است. در چارچوب این تعریف، تشخیص زمانی که تهدید علیه امنیت اجتماعی به وقوع می‌پیوندد، دشوار و پیش‌بینی‌پذیر است، زیرا امنیت اجتماعی وضعیتی است که جوامع تهدیدهایی را در مؤلفه‌های هویتی خود احساس کنند. فعالیت‌های انسانی همچون سدسازی یا انتقال آب بین حوضه‌ای و سایر فعالیت‌ها در این رابطه، تأثیر چشمگیر و حتی جبران‌ناپذیری بر محیط زیست دارند. در این زمینه پدیده‌های مخرب زیست‌محیطی به‌عنوان بستری برای ایجاد خطر، امنیت اجتماعی جوامع را تهدید می‌کند، به‌گونه‌ای که سرنوشت مشترکی را برای آن‌ها رقم می‌زند (Rahimli, 2016: 27).

همان‌طور که اشاره شد، بوزان نگاه تک‌بعدی به نظریات سنتی امنیت را به چالش کشیده و ابعاد امنیت را به پنج بعد گسترش داد که یکی از ابعاد امنیت، در شکل جدید، مباحث مربوط به امنیت زیست‌محیطی است. در این زمینه، مسئله آب یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت محیط زیستی است. آب، منبعی حیاتی با ماهیتی اشتراکی، بین ذی‌مدخلان مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است که مرزهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به رسمیت نمی‌شناسد. از سویی دیگر، این منبع راهبردی، تنها در انحصار بشر نیست و برای کل اکوسیستم و حیات تمام عناصر و موجودات زمین حیاتی است. شایان توجه اینکه کسب امنیت آبی تنها در گروی حکمرانی مسائل درهم‌تنیده در بخش آب نیست، بلکه بسیاری از محرک‌ها در این زمینه، از خارج از بخش آب بر امنیت آبی اثرگذار هستند. به همین دلیل، فرایند مدیریت منابع آب، اغلب تحت تأثیر تصمیمات

گرفته شده در بخش های دیگر از جمله راهبردها و سیاست های کشاورزی و غذایی، امنیت انرژی، زیرساخت ها و تکنولوژی نیز قرار می گیرند. این مسائل سبب تأثیرپذیری و تأثیرگذاری درهم تنیده آب و سیاست و به تبع آن، درهم تنیدگی آب و امنیت کشورها، بر یکدیگر شده است، تا آنجایی که بنابر دیدگاه مکتب مطالعات امنیتی کُپنهاگ مسائل و چالش های آبی را نمی توان جدایی از مسائل سیاسی و امنیتی در نظر گرفت (Taghi-Azershab and et al, 2016: 122).

از سویی دیگر، رقابت بر سر کنترل، دسترسی و استفاده از آب، ارتباط مستقیمی با هویت مردم یک سرزمین دارد، از آنجایی که مسائل آبی با تاریخ و هویت جوامع درهم آمیخته شده اند و جزئی از امنیت دولت ها محسوب می شوند، مواجهه راهبردی با مناسبات و مناقشات آبی برای سیاست گذاران در این حوزه، مسئله ای درهم تنیده خواهد بود. بر این اساس از منظر نظریه کُپنهاگ، پیوند درهم تنیده «سیاست، امنیت، آب و هویت» جنبه ای مهم و اثرگذار در سیاست گذاری راهبردی و همچنین بهره برداری از منابع آبی مشترک است. این پیوند تا حدی اهمیت دارد که ابرقدرت ها برای کسب هژمونی بر منطقه و جهان، تسلط بر مسائل محیط زیستی و به ویژه آب را راهبردی اساسی در دستور کار خود قرار داده اند (Moran, 2008: 37-58). این چالش ها در حوضه های آبریز فرامرزی و منابع آب بین المللی، بین دو کشور یا بیشتر پررنگ تر است. بر این اساس، بیشتر تلاش دولت ها برای کنترل و مهار آب های حوضه های آبریز مشترک یا باهدف کسب قدرت سیاسی برای تأمین منافع سیاسی و اقتصادی (بیشتر کشورهای بالادست) یا با هدف کسب سلطه بر منابع آبی مشترک برای تأمین نیازهای جوامع خود با استفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی (بیشتر کشورهای پایین دست) صورت می گیرد (Bilgen, 2018:151).

بسیاری از کشورهای پیشرفته تلاش کردند با عملیاتی کردن توسعه اقتصادی پایدار، بحران های زیست محیطی را که بر اساس مکتب کُپنهاگ زمینه ساز و عاملی بالقوه برای سایر بحران هاست پیش بینی و پیشگیری کنند. توسعه اقتصادی پایدار نوعی توسعه چندجانبه و متوازن تعریف می شود که بر سه بعد زندگی اجتماعی یعنی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی و جامعه تأکید دارد (Reinert and et al, 2016: 256). بنا به انگاره های توسعه اقتصادی پایدار پیوند آشکاری میان پیشرفت زیست محیطی مانند مدیریت بهینه، مدیریت آب و پیشرفت بهینه اقتصادی و همچنین اموری مانند مشارکت شهروندان در نهادهای قدرت و رفع تبعیض، عدالت اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. همچنین توسعه اقتصادی پایدار نوعی درک از

توسعه است که علاوه بر توسعه و پیشرفت زندگی نسل حاضر به حمایت از نسل‌های آینده نیز توجه دارد (kpinar and et al, 2013: 981). در همین زمینه، شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و وضعیت زیست‌محیطی به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا نمی‌توان میان پیشرفت اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی تفکیک قائل شد. بلکه لازم است میان جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی توازن وجود داشته باشد، اما مدیریت آب رویکرد توسعه‌ای پایدار نداشته، یعنی فرایند آن متناسب با آینده‌ای مطلوب طراحی نشده است که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب‌رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف کند، آن هم همراه با تغییر نگرش نسبت به رشد و پیشرفت اقتصادی (Rabie, 2016: 69).

مکتب کپنهاگ نقش برجسته‌ای در تکامل نظریه‌های امنیت یا گذار از رویکردی سنتی و تک‌بعدی از امنیت به برداشت مدرن و چندلایه از روابط و مناسبات قدرت، پدیده صلح و به‌طور کلی سرچشمه‌هایی ایجاد پدیده امنیت داشته است. این تکامل هم در دل توجه به روابط درهم‌تنیده جوامع و کشورها، توجه به تأثیرپذیری چندجانبه یا به‌طور کلی برهم‌کنش جهانی شده، شکل گرفته و گسترش یافته است. تحولات تکاملی مفهوم امنیت از سویی متأثر از تغییرات مفاهیم دیگر همچون بازتعریف مفهوم هویت، بازترسیم بلوک‌ها و منابع قدرت است که همراه با سیر سریع توسعه تکنولوژیک جهانی روندی متفاوت به خود گرفته است و بیشتر از همیشه به رویکرد مکتب کپنهاگ مبنی به شکستن مفهوم سنتی امنیت به مؤلفه‌های جزئی‌تر و چندوجهی متناسب با امروز صحنه می‌گذارد.

پیمایش سرمایه با وابستگی بازارهای جهانی و پیامدهای آن از جمله تأثیر رکود، رونق، عرضه و تقاضا بر اقتصاد کشورها، شروعی بود برای فهم عمیق‌تر از دوره جدید مناسبات جهانی و درهم‌تنیدگی وضعیت کشورها، چه در حوزه امنیت در معنای کلی آن، چه در ابعاد جزئی‌تر چون محیط زیست. محیط زیست به‌عنوان مؤلفه‌ای امنیتی با اوج‌گرفتن تغییرات اقلیمی یا تولید جهانی گازهای گلخانه‌ای در قالب کنفرانس‌های بین‌المللی به موضوعی کانونی تبدیل شد. آب به‌عنوان مؤلفه‌ای تمدنی که در خاورمیانه نمود زیادی داشته است، بعد از یک دوره، نگاه ناسیونالیستی به تمام‌درگیری‌ها دوباره به‌کارگیری ترکیه از این نگاه در مدیریت آب‌های بین‌المللی و سیاست سدسازی، همچون زخمی تازه سربرآورده و حامل تهدیدات امنیتی چندگانه‌ای در کشورهای پایین‌دست و حیات اجتماعی آن شده است که در این مقاله تلاش شده به ابعاد آن بپردازیم.

۲-۲. طرح آناتولی جنوب شرقی (گاپ)

اجرای مأموریت هیدرولیکی در داخل ترکیه با اهداف متعدد از جمله کاهش وابستگی ترکیه به منابع خارجی انرژی فسیلی، ایجاد توسعه و بهبود قدرت اقتصادی بوده است. همچنین در برخی نواحی برای کنترل مسئله گردها طراحی و برنامه‌ریزی شده است (Mianabadi, 2015). البته ترکیه در راستای اقدامات مأموریت هیدرولیکی در داخل این کشور، این ده ابر طرح را با هدف مأموریت هیدرولیکی در داخل تعریف کرده است: ۱. طرح آناتولی جنوب شرقی (گاپ)؛ ۲. طرح آناتولی شرقی (داپ)؛ ۳. طرح آناتولی مرکزی؛ ۴. طرح آگ گپه؛ ۵. طرح توسعه تراکیه (تراگپ)؛ ۶. طرح مرمه گپ؛ ۷. طرح توسعه مدیترانه (آکدنیز گپ)؛ ۸. طرح توسعه غرب دریای سیاه (باک گپ)؛ ۹. طرح توسعه شرق دریای سیاه (دکاپ)؛ ۱۰. طرح دشت قونیه (کوپ) است (Jilwan Social-Political Journal, 2018). این مهم در راستای مؤلفه سوم و برای رهنامه عمق راهبردی نیز مطرح شده است. با توجه به اینکه مطالعه موردی ما طرح گاپ ترکیه است، توضیح طرح‌های دهگانه هدف این نوشتار نیست.

طرح آناتولی جنوب شرقی از مهم‌ترین طرح‌های وزارت آب و جنگل‌داری ترکیه است که در جنوب شرق ترکیه یعنی منطقه آناتولی جنوب شرقی که شامل نه استان گوردی از جمله شهرهای آدی‌یامان^{۱۲}، باتمان^{۱۳}، نامه‌د یا دیاربکر^{۱۴}، قاضی‌انتپ^{۱۵}، کریس یا کلیس^{۱۶}، سیرت^{۱۷}، ماردین^{۱۸}،

2. Southeastern Anatolia Project or GüneyDoğu Anadolu Projesi (GAP).
3. Eastern Anatolia Project or Doğu Anadolu Projesi (DAP).
4. Orta Anadolu GEP.
5. EGE Development Project or EGE Geis Projesi (EGEGEP).
6. Thrace Development Project or Trakya Gelism Projesi (TRAGEP).
7. MarmaraGEP.
8. Mediterranean Development Project or Akdeniz Gelism Projesi (AkdenizGEP).
9. Western Black Sea Development Project or Bati Karadeniz Gelism Projesi (BAKGEP).
10. Eastern Black Sea Development Project or Dogu Karadeniz Kalkinma Projesi (DOKAP).
11. Konya Plain Project or Konya Ovasi Projesi (KOP) .
12. Adiyaman
13. Batman
14. Diyarbakir
15. Gaziantep
16. Kilis
17. Siirt
18. Mardin

شانلی اورفا^{۱۹}، شرناخ^{۲۰} است اجرا شده است (Gü r er and Ülger, 2007:175). این طرح پنجمین طرح بزرگ سدسازی جهان است که شامل ۲۵ سیستم آبیاری، ۲۲ سد، ۱۹ نیروگاه برق آبی، آبیاری ۱۰۵۸ میلیون هکتار زمین های کشاورزی و ۹ طرح تأمین آب آشامیدنی است که بزرگ ترین سدهای آن سد «آتاتورک» روی فرات با حجم مخزن ۴۸ میلیارد متر مکعب که ظرفیت آن معادل ۶۵۰ سد ایرانی است و سد «ایلیسو» بر رودخانه دجله با گنجایش بیش از ۱۰ میلیارد متر مکعب، یعنی حدود سه برابر بیشتر از سد کرخه به عنوان بزرگ ترین سد ایران است (Gü ncelleme, 2012). نخستین سازه بزرگ که در این طرح ساخته شد، سد آتاتورک بود که در سال ۱۹۹۲ تکمیل شد. این سد از لحاظ حجم کار ساختمانی پنجمین سد بزرگ جهان، از لحاظ تولید برق آبی در دنیا سوم، بزرگ ترین سد اروپا و ترکیه است که اصلی ترین عامل خشک شدن زمین های عراق و سوریه است؛ به گونه ای که دشت بین النهرین رطوبت خود را از دست داده و به منبعی برای تولید گردوغبار تبدیل شده است (Abasi and et al, 2018). سد ایلیسو هم به عنوان بخشی از طرح گاپ طولانی ترین کرته در جهان را دارد و سطح آن بتنی و ارتفاع آن ۱۳۵ متر و قدرت نیروگاه ۱۲۰۰ مگاوات است و قرار است سالانه ۴،۱۲۰ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید کند. ساخت این سد روی رودخانه دجله در سال ۱۹۹۶ آغاز و در اوایل سال ۲۰۱۸ تکمیل شد. نیروگاه برق آبی سد ایلیسو ۵ درصد نیروی برق ترکیه را تأمین خواهد کرد. سد ایلیسو بعد از سدهای آتاتورک، کاراکایا و کعبان چهارمین سد بزرگ ترکیه است (Qureshi and et al, 2020: 182).

برای اجرای کامل طرح گاپ سی سال زمان و ۳۲ میلیارد دلار بودجه در نظر گرفته شده بود. بر این اساس ۱۴ سد بر روی فرات، ۸ سد بر روی دجله و در مجموع ۱۹ نیروگاه برق آبی ساخته خواهد شد که اکنون در اوایل سال ۲۰۲۴ در مراحل پایانی آن است (Mianabadi, 2019). این طرح در شش دوره از سال ۱۹۷۰ تاکنون (۲۰۲۴) در دست اجرا است و در هر دوره، اهداف آن بنابر شرایط و مقتضیات زمانی ترکیه تغییر کرده است، به گونه ای که اکنون به طرحی سیاسی در ظاهر توسعه کشاورزی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است. ترکیه هدف خود از طرح گاپ را بهبود سطح درآمد و کیفیت زندگی مردم محلی با استفاده از منابع محلی، بهبود اقتصاد ملی و ثبات اجتماعی مطرح کرده است.

19. Sanliurfa

20. Sirnak

مسئولان اجرایی طرح گاپ، این طرح را طرح توسعه انسانی و منطقه‌ای به منظور بهره‌برداری از توان و ظرفیت‌های منطقه، توسعه انسانی و افزایش سطح رفاه عمومی و درآمد و کیفیت زندگی مردم منطقه با اجرای طرح‌های توسعه کشاورزی و خدماتی هم‌گرایانه و کاهش سطح اختلاف استانداردهای زندگی مردم منطقه با سایر مناطق و تحول ساختار اجتماعی و تأمین و حفظ ثبات اجتماعی معرفی کرده‌اند (Ordu, 2017). در تصویر اول منطقه سبز محل اجرای طرح و تصویر دوم موقعیت جغرافیایی رودخانه‌های فرامرزی دجله و فرات را نشان می‌دهد.



تصویر ۱ و ۲: اینفوگرافیک وضعیت طرح گاپ ترکیه منبع: وبسایت پروژه گاپ ترکیه

۲-۳. تهدیدات امنیتی طرح گاپ ترکیه

تلاش می‌شود با کاربست مکتب کُپنهاگ که بر امنیت موسع در برابر امنیت مضیق و نگاه چندبعدی به مقوله امنیت تأکید دارد، پیامدهای طرح گاپ ترکیه را بررسی و تحلیل کنیم. نظر به چندگانگی مفهوم امنیت در این مکتب، به‌کارگیری مفهوم توسعه اقتصادی پایدار در جوانب زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اهمیت پیدا می‌کند. به‌ویژه در این نوشتار با توجه به ادعای متولیان طرح گاپ که این طرح غیرامنیتی و در راستای توسعه اقتصادی پایدار است، ادعای آن‌ها را از این دیدگاه بررسی می‌کنیم. در نهایت به این مسئله می‌رسد که با توجه به ابعاد پنج‌گانه امنیت در مکتب کُپنهاگ، مسئله تهدیدات زیست‌محیطی طرح گاپ ترکیه بستری برای ظهور و فعالیت جریان‌های مختل‌کننده امنیت به‌ویژه در کشورهای متأثر از این طرح ایجاد کرده است و امنیت آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است، به‌گونه‌ای که بخشی از تهدیدهای مسائل امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای عراق و سوریه، ایران و حتی خود کشور ترکیه ریشه در پیامدهای زیست‌محیطی طرح گاپ دارد.

براساس مکتب کُپنهاگ در طرح گاپ ترکیه، دیدگاه توسعه اقتصادی پایدار در سیاست‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی نه‌تنها برای مردم ترکیه، بلکه برای کشورهای تحت تأثیر این طرح هم دیده نمی‌شود. بررسی طرح گاپ از دیدگاه گفتمان توسعه و توسعه پایدار نشان می‌دهد که گاپ در دهه ۱۹۷۰ بیشتر فنی، دولتی، زیرساختی و طرح توسعه اقتصادی بوده است، اما طرح تکامل‌یافته و به طرح بیشتر اجتماعی، سیاسی، تجاری و انسان‌محور تبدیل شده است. این تغییر تکامل‌یافته طرح گاپ با بی‌ثباتی فضای توسعه و گفتمان توسعه و توسعه پایدار در جهان مرتبط است. طرح گاپ تا حد زیادی نتیجه مفاهیم، هنجارها و معیارهای وام‌گرفته‌شده از جاهای دیگر بدون در نظر گرفتن تناسب آن با شرایط داخلی خود ترکیه، حساسیت‌ها، نگرانی‌ها و خواسته‌های داخلی این کشور تنظیم شده است و بسیاری از مفاهیم و اهداف و فعالیت‌ها با یکدیگر در تضاد هستند.

ترکیه به دنبال رویکرد نوعثمانیگری متناسب با اهداف و منافع خود در منطقه (Rabienia and Hersij, 1402: 69) می‌خواهد با تعریف و اجرای طرح‌های متعدد آبی در قالب راهبرد مأموریت هیدرولیکی و بدون توجه به ابعاد و پیامدهای زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن، از منابع آبی خود در برابر منابع نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس استفاده کند،

به گونه ای که نظام آب شناختی دو رودخانه دجله و فرات که شریان حیاتی غرب آسیا است را مختل کرده است؛ روندی که از دیدگاه کپنهاگ بستر و ظرفیت بالقوه ای را برای مناقشه و تهدید در منطقه به وجود آورده است و با کاهش میزان ورودی آب در بخش پایین رود، موجب بحران های زیست محیطی شده است. در حالی که اثرات ارزیابی زیست محیطی نشان می دهد که طرح گاپ در قالب حاکمیت داخلی کشورها نمی گنجد و تأثیرات فرامنطقه ای دارد. از این رو وابسته کردن امنیت آبی به منابع آبی خارج از کشور، وابسته کردن بخشی از امنیت ملی به منطقه است. نبود ساختارهای مدیریتی در بهره برداری مشترک و حکمرانی آب، آن را به عاملی برای ایجاد بحران بین کشورها تبدیل کرده است. در این زمینه، می توان به ارتباط فهم ایدئولوژیک طرح گاپ ترکیه از سیاست و اقتصاد با مفهوم امنیت و توسعه پایدار در چارچوب مکتب کپنهاگ اشاره کرد، به گونه ای که ارتباط این دو مقوله، حالتی معکوس دارد و رشد یکی از آن دو، کاهش منفی دیگری را در پی دارد. به بیانی، با توجه به اینکه در فهم ایدئولوژیک وجود اصل تعالی بودن و بازتولید آن بر دیگر موارد تقدم دارد و عناصری چون محیط زیست، رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی که معرف مفهوم امنیت و توسعه پایدار در مکتب کپنهاگ است، قربانی این اصل تعالی طرح گاپ ترکیه است و هنگام کاهش معیارهای امنیت در جنبه های مختلف، کارکرد ایدئولوژیک ساختاری در حوزه عمومی بیشتر می شود و مفاهیمی چون امنیت در تمام وجوه آن، دچار دگردیسی بنیادین می شود.

طرح گاپ ترکیه در ابتدا با پوششی دیپلماتیک از یک طرح ملی ترکیه با مدیریت یک پدیده فراملی به نام آب های بین المللی به یک تهدید منطقه ای تبدیل شده است. می توان گفت ترکیه در اجرای این طرح فهمی ایدئولوژیک از مفهوم قدرت و امنیت دارد که با محدودیت یک سونگرانه بر جریان آب های کهن دجله و فرات، تمام جوانب حیات مردمان چند کشور از جمله سوریه، عراق و ایران و حتی بخش های از مناطق خود را با چالش بنیادین روبه رو کرده است؛ نقطه ای که از دیدگاه مکتب کپنهاگ منشأ مناقشه و تهدیدکننده امنیت کل منطقه است.

۳. یافته های پژوهش

۳-۱. پیامدهای امنیتی طرح گاپ ترکیه بر خاورمیانه از منظر مکتب کپنهاگ

بنابر نظر کارشناسان، هنگام بروز مناقشات منطقه ای، «امنیت آب» نیز همدوش «امنیت نظامی» مطرح می شود و اکنون با نرخ رشد کنونی جمعیت جهان در هزاره سوم تنازع بر سر

آب به طور محسوس مشاهده می‌شود، در گزارش صندوق بین‌المللی پول با عنوان «بحران آب و سیاست‌های ابزاری^{۲۱}» نشان می‌دهد که خاور میانه در بین تمام مناطق جهان به لحاظ منابع تجدیدپذیر آبی در سطح پایین‌تری قرار دارد و پیش‌بینی شده است سرانه آب قابل دسترس تا سال ۲۰۵۰ در خاور میانه و شمال آفریقا به نصف برسد (Duniya Eqtesad Newspaper, 2019). اکنون بحران آب متأثر از طرح گاپ ترکیه در پی پیامدها و چالش‌های طرح گاپ به تهدید جدی امنیتی و تمدنی تبدیل شده و سبب شده است مسئله آب در ترکیه از حالت داخلی به بعد حساسیت منطقه‌ای تغییر وضعیت دهد، تاجایی که نظم سیاسی موجود در کشورهای عراق، سوریه، ایران و حتی خود کشور ترکیه را دگرگون کرده است. در زمان تکمیل طرح گاپ قدرت‌های وقت، یعنی صدام حسین و حافظ اسد که در قدرت بودند، به ترکیه هشدار دادند که اجازه ادامه طرح را نخواهند داد، اما بعد از ضعیف شدن عراق و سوریه در جریان درگیری با جریان‌های القاعده و دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و نیز حمله غیرقانونی ترکیه به شمال سوریه، دولت ترکیه از ضعف دولت‌های مرکزی استفاده کرد و توانست با گرفتن وام از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، کلان طرح گاپ را تکمیل کند که تداوم آن علاوه بر فجایع زیست‌محیطی به معضلات سیاسی و امنیتی ختم شد و اکنون امکان بروز جنگ و تهدیدات نظامی را در بین کشورهای متأثر از طرح گاپ ایجاد کرده است. در ادامه تهدیدات پنج‌گانه امنیت (تهدیدات زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی) از دیدگاه مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ در کشورهای ایران، عراق و سوریه و حتی خود کشور ترکیه به اختصار بیان می‌شود.

الف) تهدیدات زیست محیطی

- بحران ریزگردها، طوفان شن و همچنین افزایش کانون‌های گردوغبار در عراق، سوریه و ایران در مقایسه با پیش از ساخت طرح گاپ ترکیه تشدید شده است. در نتیجه، فرسایش بادی، طوفان نمک و رسوبات مخرب دیگر افزایش یافته و رطوبت دشت‌های بین‌النهرین از بین رفته است (Chizari, 2021). این مسئله در کنار از بین رفتن منابع آب‌های زیرزمینی سبب بحران نشست زمین، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و ایجاد مناطق خشک و کویری گسترده شده که خود این مسئله، موج گرمای طاقت‌فرسا و طولانی را در پی داشته است.

21. Water crisis and instrumental policies

- خشک شدن هزاران هکتار از زمین‌های کشاورزی، از جمله در اجرای طرح گاپ بیش از ۳۰۰ کیلومتر از خاک ترکیه از بین رفته و ۷۰۰ هزار هکتار از اراضی عراق از آبیاری محروم و بیش از ۶،۴ میلیون هکتار زمین در سوریه و عراق خشک شده است (London School of Eco-nomics, 2018).

- جنگل‌زدایی و احتمال خطر آتش‌سوزی گسترده جنگل‌ها در اثر هوای خشک و بی‌آبی افزایش یافته است (Bahrami, 2021). تخریب هزاران هکتار از زمین‌های کشاورزی و کمیاب شدن محصولات خوراکی و نابودی پنبه‌زارها و درختان خوراکی از جمله نخلستان، زیتون، انجیر از بین رفتن بوته‌ها و داروهای گیاهی که این مسئله به صنعت گیاهان دارویی صدمه زده است.

- بحران نشست زمین، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و ایجاد مناطق خشک و کویری گسترده و تشدید خشک‌سالی با حفر چاه‌های غیرمجاز برای برداشت آب‌های زیرزمینی و در نتیجه، بحران تغییر نظام آبی، آلودگی آب‌های زیرزمینی و روان‌آب‌ها و افت سطح آن را در پی داشته است (Jilwan Social-Political Journal, 2018).

- خشکی تالاب و هامون‌های عراق و ایران (هورالعظیم، هورالهویزه، تالاب شادگان، بین‌النهرین و هورالحمر، هورالدورق، احوار جنوب عراق، حمار شرقی، حمار غربی و تالاب مرکزی عراق)، نابودی تدریجی اکوسیستم مرداب‌ها، دریاچه‌ها و تخریب صخره‌های مرجانی و انقراض گونه‌های کمیاب زیستی و از بین رفتن زیست گیاهی، جانوری و آبزی و نابودی منابع تغذیه و زیستگاه نسل حیوانات در حال انقراض و کمیاب، مرگ توده بزرگ ماهی‌ها و آزیان خوراکی رسوبات و اوتریفیکاسیون (جلبکی شدن) آب و در نتیجه، آسیب به چرخه غذایی موجودات زنده طبیعت و از بین رفتن دام‌پروری و تلف شدن حیوانات خوارکی در اثر بی‌آبی (گاو‌میش‌های عراق و ایران) و مهاجرت همیشگی پرندگان فصلی و افزایش و طولانی شدن موج گرمای طاقت‌فرسا و کاهش جاذبه‌های گردشگری به دلیل خشک‌سالی و کویری شدن منطقه از دیگر پیامدهای منفی گاپ ترکیه است (Laffert and Sala, 2022: 21).

- رشد جانوران بیماری‌زا از جمله پشه حامل بیماری مالاریا (شناسایی شده در سد ایلپسو ترکیه) و افزایش رشد جانوران خشک‌زنی و گرم‌مازایی همانند عقرب، رتیل و مارهای سمی و حشرات بیماری‌زا در دشت‌های عراق، ایران و سوریه و همچنین تولید و گسترش گازهای گلخانه‌ای از جمله گاز متان در سدهای ایلپسو و آتاتورک گزارش شده است (Jilwan Social-Political Journal).

101:2018). ترکیه با دامن زدن به تنش‌های آبی در اولین سطح، سبب گسترده شدن پیامدهای زیست‌محیطی در منطقه شده است، نگاه نقطه‌ای و ملی‌گرایی و نه کلان به مسئله محیط زیست سبب شده در این منطقه، بیشتر شاهد بیابان‌زایی و خشکی رودخانه‌ها و مخاطرات زیستی مردم منطقه باشیم و هیچ طرحی با نگاه کلان سازگاری با وضعیت محیط‌زیستی منطقه شکل نگیرد، بلکه برعکس بحران‌ها تعمیق می‌شود. تهدیدات زیست‌محیطی چندجانبه‌ای که این طرح به کشورهای منطقه تحمیل می‌کند، ابعاد گسترده‌ای دارد. به‌طور کلی و دسته‌بندی کلان می‌توان این تهدیدات را در گروه آب، هوا، خاک و حیات‌گونه‌های جانوری غیرانسانی قرار داد. کیفیت هوا، سلامتی آب و حفظ خاک به‌عنوان یکی از منابع تأمین‌کننده خوراک انسان و گونه‌های جانوری غذایی یا غیرغذایی وقتی با خطر مواجهه هستند در موارد جزئی پیش‌گفته مستقیم و غیرمستقیم جز مخاطرات محیط‌زیستی قرار می‌گیرند. بنابر اقلیم و پیامدهای طرح‌های داخلی دیگر از منظر تهدیدات زیست‌محیطی ایران با چالش‌های کلان‌تری روبه‌رو است و بعد از آن سوریه و عراق با مشکلاتی مواجه هستند.

(ب) تهدیدات اجتماعی

- مهاجرت گسترده جمعیت به سایر کشورهای منطقه، اروپا و مناطق دیگر، تشدید چالش‌های فرهنگی در مناطق مهاجرپذیر و افزایش جمعیت آوارگان ساکن در کمپ‌ها در عراق و سوریه و حتی کشور ترکیه و خالی و متروکه شدن بسیاری از آبادی و مناطق دیگر به دلیل بی‌آبی و رشد فزاینده، توزیع ناهمگون جمعیت که با کم‌آبی مواجه‌اند، افزایش حاشیه و زاغه‌نشینی در کلان‌شهرها، تشدید شکاف‌ها و آسیب‌های اجتماعی در جامعه، افزایش تقاضا برای دریافت خدمات شهری از نظامی سیاسی کشورها و پاسخ‌دادن به مطالبات مردمی از پیامدهای منفی کلان طرح گاپ ترکیه است.

- نگرانی جامعه پزشکی و مقامات حوزه سلامت از بروز و تشدید انواع بیماری‌ها در اثر کم‌آبی، شیوع بیماری‌های عفونی، تنفسی و تهدید سلامت ساکنانی که ارتباط مستقیم با مواد شیمیایی و رادیواکتیو زمان جنگ آمریکا و عراق دارند که در اثر ریزگردها جابه‌جا می‌شوند، بحرانی شدن مسئله بهداشت عمومی و سلامت جامعه، دسترسی نداشتن مردم به آب آشامیدنی سالم، کاهش سوخت‌وساز بدن، مشکلات پوستی و گوارشی، به‌خطرافتادن سلامت روانی ساکنان و اضطراب ناشی از فردایی بدتر و بی‌آب‌تر وجود دارد (Heshmati-jadid and et al, 2015: 79).

- برهم‌زدن پیوستگی اجتماعی و تاریخی کردها در مرز کشورهای دارای مردمان کرد و نابودی آثار تاریخی، باستانی هزاران ساله در خاورمیانه از جمله نابودی شهر ۱۲ هزار ساله حسن کیف (الح)، روستای خلفی (روحا) و دره گودردن در مناطق کردی ترکیه و ترک برآشتن بناها و آثار تاریخی و باستانی به دلیل فرونشست زمین در اثر بی‌آبی و بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی شهرها بوده است. (Darvish, 2019)

سطح و گستره آسیب‌های اجتماعی طرح گاپ را نمی‌توان اتمیزه کرد یا انتظار داشت تأثیر نقطه‌ای و قابل کنترل داشته باشند. مخاطرات اجتماعی هم در یک سطح مرئی و انضمامی و در سطحی پنهان می‌توانند در چند ساحت گسترش یابند. در حال حاضر هم پیامدهای مهاجرت و جنگ به‌عنوان دو کلان‌مسئله خاورمیانه در جریان است. مهاجرت متأثر از جنگ یا پیامدهای گسترده جنگ، دو پدیده درهم‌تنیده هستند که هنوز کنترل و مدیریت نشدند، با تغییرات اقلیمی و عامل اضافی پیامدهای طرح گاپ، می‌توانند گسترده، عمیق و به مرحله کنترل‌ناپذیری برسند که بخشی بر خود منطقه و بخشی به اقتصاد و سیاست جهانی به‌ویژه اتحادیه اروپا اعمال می‌شود. از سویی، مسئله گُرد در ترکیه و سوریه به‌عنوان مسئله‌ای سخت و حل‌نشده با سیاست‌های معطوف به جنگ هر روز پیامدهای گسترده‌ای پیدا کرده که در طرح گاپ، میراث باستانی گُردستان این کشورها را نشانه گرفته است. در نمونه دیگر، در حال حاضر، مردم گُردستان سوریه، علاوه بر ویرانی حاصل از حمله داعش، با بستن آب بالادست از سوی ترکیه و مجموعه‌ای از چالش‌های انسانی و امنیتی مواجه هستند که در گزارش‌های جهانی هم آمده است. همچنان در جریان جنگ در سوریه، این کشور با بیشترین میزان تهدیدات اجتماعی حاصل از اجرای گاپ روبه‌رو است.

ج) تهدیدات اقتصادی

- تحمیل هزینه‌های کلان اقتصادی و وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بزرگ با درخواست وام از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و بدهکار شدن اقتصاد ترکیه با بازپرداخت سودهای برآمده از وام‌های کلان در پی تکمیل طرح گاپ و سقوط بیشتر ارزش پولی لیر در این کشور (Sohrabi, 2019) و افزایش شکاف‌های اقتصادی و دوقطبی شدن جامعه به فقیر و غنی و بروز بحران‌های ناکارآمدی خدمات اقتصادی، کمبود ارز خارجی در اثر کاهش صادرات داخلی و مصرف بالای ارز حاصل از درآمد نفتی به دلیل افزایش واردات و کاهش صادرات در کشورهای

متأثر از پیامدهای منفی گاپ ترکیه است.

- مهاجرت نیروهای متخصص از بخش‌های مختلف اقتصادی، بیکاری گسترده و از بین رفتن بسیاری از شغل‌های مربوط به کشاورزی، دامپروری و صیادی و کاهش صید آبیان صنعتی و کاهش صادرات کشورها و ناتوانی در تولید نیازهای اساسی کشاورزی به دلیل نبود آب کافی و کاهش میزان درآمد و سود و افزایش شغل‌های کاذب و غیرقانونی که نمود آن دیده می‌شود.

- کاهش یا عدم حضور گردشگرانی که در منطقه منافع اقتصادی دارند و تبدیل بازار منطقه به بازار مصرف محصولات و کالاهای ترکیه‌ای و کاهش قیمت و ارزش زمین‌های کشاورزی بی‌آب و کم‌آب در عراق و سوریه و جنوب ایران و تغییر در کاشت محصولات یا تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و تمایل به فروش زمین‌های کشاورزی و میل به مهاجرت وجود دارد (Darvish, 2019).

متکی بودن بخشی از نظام اقتصادی کشورهای پایین‌دست طرح گاپ از جمله عراق، سوریه و ایران به کشاورزی، دامپروری، گردشگری و صنعت ماهی‌گیری سبب شده است، هرگونه اختلالی در جریان این حلقه، وضعیت اقتصادی این نواحی، در قالب کلان‌تر و با سرعت بیشتری به فاجعه منجر بشود. ترکیه به‌عنوان عضوی از ناتو با نظام اقتصادی نسبتاً باز متأثر از تلاطم سرمایه‌ جهانی است که در مورد طرح گاپ با گرفتن وام‌های کلان از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در کنار سیاست‌های دیگر از جمله حضور پررنگ در درگیری‌های منطقه‌ای، سبب تضعیف ارزش لیر و افزایش رکود و تورم در این کشور شده است. کشورهای پایین‌دست هم با ادامه این طرح با بی‌ثباتی گسترده در بازارهای محلی و مشاغل مرتبط روبه‌رو می‌شوند که در حال حاضر در بخش‌های از عراق، سوریه و جنوب ایران پیامدهایی از آن مشخص است. با توجه به جمعیت زیادتر ایران نسبت به عراق و سوریه و همچنین طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای داخلی در بخش کشاورزی همچون کشت برنج در نواحی کویری مرکزی، ایجاد انتظارات همانند چالش کشاورزان در اصفهان، ایران در بخش‌های اقتصادی می‌تواند با تهدیدات اقتصادی گسترده‌تری مواجهه باشد. در این مورد نمی‌توان با قطعیت بالایی در مورد میزان تهدیدات احتمالی سه کشور پایین‌دست با توجه به سیستم‌های سنتی کشاورزی از یک‌سو، اقتصاد نفتی و اتصال نسبی به بازارهای سرمایه‌ جهانی از این طرح صحبت کرد، ولی قطعی است که تعمیق و گسترش چالش‌های اقتصادی از پیش موجود و جدید است.

د) تهدیدات سیاسی و نظامی

- بی‌ثباتی در عراق و سوریه در رابطه با طرح گاپ ترکیه بر امنیت کشورهای همسایه تأثیر مستقیم خواهد گذاشت؛ در نتیجه، سبب افزایش هزینه‌های سیاسی در منطقه و چند قطبی شدن کشورهای خاورمیانه می‌شود. در همین زمینه، درگیری احتمالی ژئوپلیتیک منطقه‌ای سبب تضعیف جایگاه عراق و سوریه به‌عنوان کشوری متحد با ایران و افزایش تنش بین عراق و سوریه با ترکیه می‌شود.

- احتمال تنش نظامی بر سر فروش آب به اسرائیل به‌عنوان کشوری متحد با ایران و افزایش هزینه‌های سیاسی در عراق و سوریه وجود دارد.

- گسترش همکاری ترکیه با اقلیم کردستان عراق و سوریه (Haqparst and et al, 1402: 69) و سوءاستفاده از ابزار فشار سیاسی گاپ ترکیه برای سرکوب احزاب مخالف کردی و تلاش در ایجاد شکاف بیشتر بین اقلیم کردی با دولت مرکزی برای پایین‌آوردن توان قدرت‌یابی عراق و سوریه در منطقه به نفع خود داشته است (Jilwan Social-Political Journal, 2018: 101)

- افزایش تنش و نابسامانی‌ها در منطقه، تشدید اعتراض‌های سیاسی و مدنی، بی‌اعتمادی بیشتر مردم به ساختار سیاسی موجود، فعال‌شدن شکاف‌های قومیتی در اثر مهاجرت، خالی از سکنه شدن مناطق وسیعی در عراق و سوریه و حتی جنوب ایران، ضریب ناامنی افزایش یافته است.

- احتمال جنگ بر سر آب در کشورهای متأثر از طرح گاپ ترکیه همانند جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ اسرائیل با کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن بر سر بلندی‌های جولان (گولان)، درگیری بین مصر و اتیوپی بر سر آب نیل در سال ۱۹۸۹ و جنگ سال ۱۹۸۹ بین سنگال و موریتانی بر سر آب رودخانه سنگال، تهدیدات مکرر حسنی مبارک، رئیس‌جمهور پیشین مصر برای انهدام سد که اتیوپی روی رودخانه نیل بنا کرده بود، درگیری محلی مکرر بین کشورهای عراق و سوریه بر سر رودخانه فرات روی داده است (Saif, 2014).

- گسترش همکاری ترکیه با معترضان دولت بشار اسد سوریه و عراق و تقویت گروه‌های تکفیری در این کشورها و تحمیل سلسله عملیات (سپر فرات، چشمه صلح، شاخه زیتون) از سوی ترکیه علیه کردها در شمال سوریه به بهانه کنترل فعالیت‌های کردها در منطقه و تأمین امنیت مرزی و سکوت کشورها در قبال گرفتن سهم آب از دجله و فرات و در نهایت ترکیه از ابزار فشار سیاسی گاپ علیه کشورهای منطقه برای همراه‌کردن آن‌ها با سیاست‌های خودمحرورانه

خود استفاده کرده است (Laffert and Sala, 2022: 19).

- امکان دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نقش واسطه‌گری برای حل پیامدهای منفی گاپ ترکیه و نیز احتمال وابستگی سیاسی و تحمیل شروط سنگین با رویکرد نولیبرال از سوی سازمان‌های وام‌دهنده به کشورهای وام‌گیرنده در صورت ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌های سود بانکی وجود دارد.

- جذب و عضوگیری ۹۰ درصد نیروهای بیکار منطقه از سوی گروه‌های افراطی منطقه همچون گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در اثر پیامدهای منفی طرح گاپ ترکیه که نمود آن را در منطقه دیده می‌شود (Abasi and et al, 2018).

بنابراین مسائل و مشکلات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت انسان‌ها مانند، گرم شدن زمین، بحران کم‌آبی، کاهش منابع طبیعی، بحران ریزگردها، انقراض گونه‌های کمیاب گیاهی، جانوری و حتی آبیان، فرسایش خاک، جنگل‌زدایی، آلودگی منابع آبی، موجب معضلاتی چون بیکاری، تنش و خشونت‌های قومی، اعتراضات، شیوع بیماری‌های واگیردار، مهاجرت به نقاط دیگر را در اجتماعات انسانی ایجاد می‌کند که خود این معضلات، چالش‌ها و شکاف‌های فرهنگی را به دنبال دارد. این مشکلات، نظم و تعادل جامعه را برهم می‌زنند و نظام سیاسی را به چالش می‌کشد و آن را پاسخ‌گو می‌دانند که این به صورت زنجیروار بحران مشروعیت سیاسی را نیز به دنبال دارد.

اگر اسرائیل را کانون نظامی‌گری در منطقه و مخل اصلی امنیت و عامل تنش و مناقشه دائمی کلان بدانیم، مسئله‌گرد در خاورمیانه مشکل اساسی دیگر است که در عراق با سقوط صدام و مشارکت‌گردها در ساختار سیاسی به ثبات نسبی رسید، در سوریه با حمله داعش و جنگ چندساله در اغما است، در ترکیه با جنگی نیم‌قرنی هنوز به صلح منجر نشده و هر روز می‌تواند مؤلفه‌ای در سیاست ترکیه باشد. ظهور گروه داعش هم حاکی از زمین حاصل‌خیز منطقه برای پیوستن به گروه‌های افراطی این‌گونه است. در این وضعیت، کلان طرح گاپ می‌تواند نقش کاتالیزور و تعمیق‌کننده پیچیدگی‌های امنیتی مناسبات سیاسی و تحولات نظامی منطقه را داشته باشد که خود می‌تواند تضعیف‌کننده امنیت شکننده خاورمیانه باشد.

در حال حاضر هم عراق و سوریه، کانون تهدیدات و پیامدهای عینی نظامی به‌طور مستقیم و ایران به‌علت نقش منطقه‌ای، به‌طور غیرمستقیم هستند، ولی در آینده قطعاً ایران به‌سادگی

به تضعیف اساسی خود با هم‌پیمانی ترکیه و اسرائیل و نقش‌آفرینی عامل سیاسی شده‌ی آب رضایت نخواهد داد و با توجه به جدل، تنش و رقابت هژمونیک منطقه‌ای از پیش موجود بر سر کلان‌مسئله‌های دینی، اقتصادی و سیاسی، طرح گاپ ایران را بیش از پیش درگیر تهدیدات و چالش‌های سیاسی و نظامی می‌کند. بخشی از این تهدیدات برمی‌گردد به نقش ایدئولوژیکی که ایران در منطقه برای خود در سیاست کلان تعریف کرده است.

۴. نتیجه

عطش توسعه‌یافتگی که برگرفته از مکتب‌نوسازی است، در بلندمدت برای امنیت‌آبی چالش‌برانگیز است. از این‌رو پیشبرد راهبرد مأموریت هیدرولیکی علاوه بر اینکه می‌تواند دستاوردهای متعدد و فرصت‌های بسیاری برای پیشبرد اهداف گوناگون به همراه داشته باشند، عکس آن نیز صادق است و می‌تواند منجر به تشدید تنش‌های متعددی شوند و پیامدهای جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشند. بنابراین در پیش‌گرفتن مأموریت هیدرولیکی ترکیه می‌تواند در ظاهر تأمین امنیت‌آبی برای بخش‌های مختلف را به همراه داشته باشد، اما بهای آن از منظر مکتب مطالعات امنیتی کُپنهاگ، ایجاد پیامدهای جدی امنیتی برای سایر ذی‌مدخلان است، به‌گونه‌ای که ادامه‌ی راهبردی مأموریت هیدرولیکی ترکیه بدون توجه به ابعاد و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی این طرح‌ها، پیامدهای جبران‌ناپذیری را به همراه داشته است و این منبع حیاتی به‌وسیله‌ای برای کسب قدرت و نفوذ سیاسی ترکیه تبدیل شده است. عکس این ادعا نیز ثابت شده که طرح گاپ در راستای توسعه‌ی انسان‌محور و توسعه‌ی اقتصادی پایدار است، بلکه در پی ایجاد قدرت اقتصادی، پیشبرد اهداف سیاسی و دستیابی به هژمونی آبی بوده است؛ روندی که به آسیب‌هایی چندجانبه با پیامدهای گسترده در کشورهای متأثر از این طرح منجر می‌شود.

همچنین با وجود ادعاهای دولت ترکیه در مورد اهداف توسعه‌ای این طرح توسعه‌ی انسان‌محور، امروزه هدف اصلی دولت ترکیه استفاده از آب برای اهداف سیاسی در داخل و خارج ترکیه است. در داخل با استفاده از این طرح، به دنبال حل بحران هویت و مسئله‌ی کردی و در نهایت حذف مخالفان است که پیامدهای آن جابه‌جایی جمعیت، تخریب میراث فرهنگی کردها بوده است که در سیاست خارجی ترکیه در پی هژمونی در منطقه‌ی خاورمیانه، نوع‌ثمان‌گرایی و مبادله‌ی آب در برابر نفت است. نتیجه‌ی چنین سیاستی شورش و ناآرامی در کشورهای سوریه و

عراق و به وجود آمدن پدیده مهاجرت و مسائل دیگر است، یعنی افزایش قدرت چانه‌زنی ترکیه در موضوعات سیاسی منطقه با اهرم آب و در نهایت تأمین نیازهای انرژی ترکیه با راهبرد آب در برابر نفت. در نتیجه، منطبق با نظریه امنیت کپنهاگ و آنچه با عنوان گفتمان نوع‌ثمانی‌گری در سیاست خارجی ترکیه براساس نظریه عمق راهبردی شناخته می‌شود، می‌توان پیش‌بینی کرد که با توجه به شرایط اقلیمی پیش رو در خاورمیانه شریان آب در دست کشور ترکیه افتاده و در آینده بی‌آب منطقه، نقش‌آفرینی این کشور در حوزه امنیت زیست‌محیطی را از هر زمانی دیگر برجسته‌تر می‌کند.

با توجه به اینکه متوقف کردن بهره‌برداری از ۲۲ سد طرح گاپ در وضعیت فعلی، راهکاری برای حل بحران‌های به وجود آمده بعید به نظر می‌رسد، اگر کشورهای متأثر یا پایین‌دست از طرح گاپ، مسئله بحران آبی ناشی از سدسازی‌های ترکیه روی دجله و فرات و نیز تغییر اقلیمی را جدی بگیرند، به این نتیجه می‌رسند که همکاری منطقه‌ای و دیپلماسی در حل این مسائل حرف اول را می‌زند. سرانجام کشورهای خاورمیانه بنا به جبر جغرافیایی، حُسن هم‌جواری، لحاظ درهم‌تیدگی منافع و امنیت در معنای مورد نظر مکتب کپنهاگ، باید به سمت تغییر سیاست آبی و الگوی مصرف بروند و در دو سطح «دیپلماسی منطقه‌ای» و «مدیریت مشترک آب‌های فرامرزی» حالتی چون «کنفدراسیون منطقه‌ای» تشکیل دهند و این جز در سایه صلح اتفاق نمی‌افتد. در صورت به نتیجه نرسیدن دیپلماسی منطقه‌ای از سوی کشورهای درگیر در طرح گاپ، می‌توانند این مسئله را به وسیله سازمان بین‌الملل و دادگاه لاهه پیگیری کنند. حالت سومی متصور نیست، یا هم‌سرنوشتی و تأکید بر ادامه مدیریت منابع فرانسلی آب در سایه صلح و کنوانسیون‌های بین‌المللی امنیت منطقه را افزایش می‌دهد یا تنش‌های پیدا و پنهان بر سر نفت به منازعات آبی جدی همه علیه همه منجر می‌شود.

References

- Abbasi, Homayun & Khaki, Shilan & Firouzi, Hossein (2018), "International Law and Regional Water Diplomacy in the Middle East", the third semi-arid region hydrology conference focusing on water-man-nature, Sanandaj, {in Persian}.
- Abbasi, Homayun & Khaki, Shilan (2017), "Investigation of Turkey's hydropolitics in the region and its environmental effects from the perspective of realism and international law, a case study of the GAP project", the 4th International Conference on Regional Developments and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Allameh Tabatabai University, {in Persian}.
- Bahrami, Rostam (2021), "Iran's environmental problems, Iran's national security", Faratab site, {in Persian}.
- Bilgen, A (2018), The southeastern Anatolia Project(GAP) from 1977 to 2017: A Qualitative and Multidimensional Analysis of the 40 years of GAP, New Perspectives on Turkey, no.
- Buzan, Bari (2008), "People, Governments, Fear", translation: Beta, Tehran, Institute of Strategic Studies, {in Persian}.
- Buzan, Bari & Olivier (2008), "International Security Structure", Tehran: Strategic Studies Research Institute, {in Persian}.
- Chizari, Zahra (2021), "The subsidence crisis means immigration and social harms", an interview in Javan newspaper, {in Persian}.
- Darvish, Mohammad (2019), "The risk of drought in the management of water resources!", Water transparency telegram channel, {in Persian}.
- Darwish, Mohammad (2013), "Another document confirming the drought in Iran's water resources management", Khabar Online, {in Persian}.
- Duniya Eqtesad Newspaper (2019), "Economic Roots of Water Crisis", No, {in Persian}.

- Güncelleme, Son2012)), Ilisu Projesi'nde Hedef 2014, Available at: <https://mepc.org/journal/water-trade-between-israel-and-turkey-start-middle-east>,{in Turkish}.
- Gürer Ý & Ülger M (2007), Manavgat river water: A limited alternative water resource for domestic use in the Middle East. In: Shuval H and Dweik H (eds) Water resources in the Middle East. Springer-Verlag Berlin Heidelberg,{in Turkish}.
- Heywood, Andrew (2016), "World Politics, translated by: Masoud Mousavi Shafa'i, published by Semat Organization, Tehran,{in Persian}.
- Jilwan Social-Political Journal (2018), "Water Future of Kurdish Gap Regions of Turkey", International Section, Year 5, Number 10. Kurdistan,{in Kurdish}.
- kpinar,A & Onsoy,H & Komurcu,M,I & Bayram, A (2013), The south - eastern Anatolia Project (GAP) in Turkey and Middle East in Terms of Economic, Strategic and Politic,International Balkans Conference on Challenges of Civil Engineering, BCCCE, Epoka University, Tirana, Albania.
- Laffert, Bartholomäus & Sala, Daniela (2022), «The war of dams in the Middle East», een onderzoeksrapport over de ecologische, sociale en politieke crises veroorzaakt door de bouw van dammen in de regio. Recensiesite over de politieke economie,{in German}.
- Laffert, Bartholomäus & Sala, Daniela (2022), «Wasser als Waffe - Wie die Türkei gegen Kurden in Syrien vorgeht», Übersetzer aus Deutsch: Homayoun Abrbasi. Nachrichtenanalyse-Website von Roj-nnsroj, Zuganglink: <http://Nnsroj.net/fa/detiles.aspx?id=131500>,{in German}.
- London School of Economics (2018), "The climate of Kurdistan from independence to regional dependence" translated by Rodav TV channel. Iraqi Kurdistan (Bashur). Access link: <https://www.rudaw.net/english/onair/tv/live>,{in Kurdish}.
- Mianabadi , Amini (2019), Complexity of water, politics, and environment in the

euphrates and tigris, river basins, Geopolitics.

Mianabadi, Hojjat (2015), "Investigation of socio-political consequences of large-scale projects of inter-basin water transfer; water transfer; More destructive than dam building", the 23rd meeting of the "Strategic Dialogues" series of meetings, Tadbir Center of the Presidential Strategic Studies Center, July, {in Persian}.

Moran, Michael & Rein, Martin & E. Goodin (2008), Robert. The Oxford Handbook of Public Policy. Oxford University Press.

Heshmati jadid, Mehdi & Aghrai, Farhad & Mohammad Hassanzadeh (2016), "Investigation of factors affecting the performance of ethnic and religious groups in the internal security of Sistan and Balochistan provinces (with emphasis on ethnic and religious groups of Sarvan city) Defense Policy, No. 96, {in Persian}.

Ordu, Sara (2016), "Construction of Eliso Dam in Turkey in International Law", Iranian Diplomacy News Agency, Production Department, Access link at: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1969520/> , {in Persian}.

Qureshi, Sayedah Zahra & Mianabadi, Hojjat & Hajiani, Ebrahim (2019), "Analysis of the dimensions of hydraulic mission in Turkish hydropolitics", Iranian water resources research journal, year 16, number one, spring season, {in Persian}.

Rabie, Mohamed (2016), "A Theory of Sustainable Sociocultural and Economic Development", Palgrave Macmillan US.

Rahimli, Shahriar (2016), "Securing immigration, the performance of the European Union towards Syrian immigrants", Research of Nations, number twenty-four, {in Persian}.

Reinert, Erik & Ghosh, Jayati & Kattel, Rainer (2016), Handbook of Alternative Theories of Economic Development. Edward Elgar.

Saif, Ahmed (2014), "Political Economy of Water", political economy review

site. Regents University Course Transcript: Issues in World Political Economy. Accessed at: 02/20/2015 <https://pecritique.com/>, {in Persian}.

Sohrabi, Mansour (2019), "Why did Khuzestan, which is always full of water, suffer from water disaster?", Agroecologist and Environment Department, Radio Farda. Access link: www.radiofarda.com/amp/why-did-khuzestan-suffer-from-water-misery-/31399614.html, {in Persian}.

Taghi-Azershab, Mohammad & Najmabadi, Morteza & Bakhshi Tillabi, Ramin (2016), "The position of security in the Copenhagen school of security studies: an analysis for analysis", Political Science Quarterly, 13th, 40th issue, Autumn. Tehran, {in Persian}.

Rabiinia, Bahman, Hersij, Hossein (1402), "Comparative analysis of the soft power of Iran and Turkey in the face of the Syrian crisis", fundamental and applied studies of the Islamic world. {in Persian}.

Haqparst, Saeed, Walipour Atiq, Tawheed, Nasiri Hamid, Reza (1402) Effective obstacles and challenges in the development of the political development of post-Saddam Iraq, fundamental and applied studies of the Islamic world.